

اسنادی از جنبش دانشجویی و نهضت ملی ایران

محمود طاهر احمدی

گلوله اسلحه ناصر فخرآرایی - که ظاهراً خبرنگار روزنامه پرچم اسلام بود و گفته می شد عضو حزب توده است - مجروح و روانه بیمارستان شد. پس از فرونشستن تب و تاب ارهاب (ترور) شاه که یک چند اوضاع سیاسی ایران را با دگرگونیهای ناگهانی روبه رو کرد، دوباره کشور متوجه نفت و دعاوی حقوقی آن با انگلستان شد. در این باره، عباسقلی گلشائیان وزیر دارایی دولت محمد ساعد به همراه نوئل گس، فرستاده شرکت نفت انگلیس و ایران، لایحه موسوم به "لایحه الحاقی گس - گلشائیان" را تهیه و تنظیم کردند. در این لایحه تا حدودی به خواسته های ایران توجه شده بود، ولی تسلط استثماری شرکت نفت بر منابع نفتی ایران، همچنان پابرجا بود. لایحه الحاقی در بیست و هشتم تیر ۱۳۲۸، در واپسین روزهای عمر مجلس پانزدهم به نمایندگان ملت ارائه شد. از اول مرداد بحث درباره این لایحه - که ظاهراً دولت هم قلباً علاقه ای به تصویب آن نداشت ۵ و تحت فشار انگلستان به آن تن داده بود - آغاز شد و تا پایان عمر مجلس پانزدهم ادامه یافت، بی آنکه تصمیمی درباره آن گرفته شود. تصویب نشدن لایحه الحاقی، بیش تر برای آن بود که نمایندگان اقلیت بویژه مظفر بقایی و حسین مکی با سخنرانی و وقت گذرانی مانع تصویب لایحه شدند. موفقیت اقلیت مجلس تا حد زیادی مرهون پشتیبانی مردم، گروه های ذی نفوذ و مطبوعات بود. در این حال دانشجویان به همراه بازاریان فعال در صحنه مبارزه حاضر بودند و با برپایی تظاهرات گسترده، از اقلیت مجلس حمایت می کردند. با پایان یافتن عمر مجلس پانزدهم و شروع فعالیت های انتخاباتی مجلس شانزدهم، مکی و بقایی، از دکتر مصدق خواستند که "از باز نشستگی سیاسی" دست بردارد و رهبری نهضت ملی را به دست گیرد. ۶

در بیست و دوم مهر ۱۳۲۸، تعداد زیادی از مردم به سردستگی دکتر مصدق عازم کاخ مرم شدند تا در دربار متحصن شوند. آنان، ضمن انتشار بیانیه ای در اعتراض به تقلبات انتخاباتی دولت در انتخابات مجلس شانزدهم، خواهان الغای آن انتخابات شدند.

در پی گفتگوی دکتر مصدق با عبدالحسین هژیر، وزیر دربار، قرار شد مصدق و نوزده نفر از همراهان او در محوطه کاخ متحصن شوند و عریضه آنان را شخص هژیر به نظر شاه برساند. این گروه بعدها، هسته اولیه و مرکزی جبهه

عباس اسکندری، نماینده همدان در مجلس شورای ملی (دوره پانزدهم) در سخنرانی خود در جلسه علنی پنجم بهمن ۱۳۲۷ مجلس شورا، خواهان لغو قرارداد سال ۱۳۱۲ ایران و انگلیس درباره نفت جنوب شد و گفت: دولت باید صنعت نفت را ملی کند و استخراج آن را خود به دست گیرد. سخنان اسکندری درباره قرارداد داری و تمدید آن در دوره رضاشاه، سبب شد سید حسن تقی زاده، نماینده تبریز در مجلس پانزدهم و وزیر دارایی دولت مخبر السلطنه هدایت در سال ۱۳۱۲، به پاخیزد و از اوضاع و احوالی که قرارداد مزبور در آن به امضار رسیده، سخن بگوید و از چگونگی آن پرده برداری کند. تقی زاده در سخنان خود گفت که وی و دیگر کسانی که با تمدید مدت امتیاز داری (به مدت سی سال دیگر) مخالف بودند، در برابر "اراده حاکم مطلق آن عهد" (رضاشاه)، هیچ مقاومتی نمی توانستند بکنند؛ چرا که "نه مقدور بود و نه مفید". او تأکید کرد "من شخصاً هیچ وقت راضی به تمدید مدت قرارداد نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بوده، تقصیر آلت فعل [تقی زاده] نبوده، بلکه تقصیر فاعل [رضاشاه] بود که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد. او خود هم راضی به تمدید مدت نبود. ۲"

پس از سخنرانی تقی زاده، سراسر کشور و بویژه دانشگاه، عرصه گفتگو درباره نفت شد ۳ و اغلب از آن سخن می گفتند. افکار عمومی، سخنان تقی زاده را دلیلی بر غیر قانونی بودن قرارداد ۱۳۱۲ می دانست و در پی راهی بود تا موضوع نفت را به نفع ایران حل و فصل کند. در این میان دانشجویان دانشگاه - که از ماه های آغازین سال ۱۳۲۷، به شدت سیاسی شده بودند - بر آن شدند تا تظاهرات بزرگ و پرشوری درباره نفت برپا کنند. بدین منظور هماهنگی های لازم به انجام رسید و دانشجویان دانشکده های مختلف، نمایندگان از میان خود برگزیدند تا کار تهیه شعارها، پارچه نویسی و دیگر تمهیدات لازم را به انجام رسانند. به این ترتیب صبح چهاردهم بهمن ۱۳۲۷، دانشجویان دانشگاه تهران در صفی طولانی از دانشگاه به حرکت درآمدند و پس از تظاهرات دسته جمعی، خود را به میدان بهارستان رساندند. دانشجویان در شعارها و قطعنامه خود، خواستار الغای امتیاز نفت جنوب و تعطیل بانک شاهی شدند. ۴

فردای آن روز، شاه جوان، در مراسم سالگرد افتتاح دانشگاه تهران به ضرب

برپایی جلسه سخنرانی در سالن دانشکده حقوق فعالیت خود را آغاز کرد. سخنران اصلی، دکتر کریم سنجابی استاد دانشکده حقوق بود که درباره ملی شدن صنعت نفت سخن گفت.

اقدام بعدی برپایی تظاهرات در بهمن ۱۳۲۹، به منظور پشتیبانی از نمایندگان جبهه ملی در مجلس و تأیید شعار ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور بود. ۱۱ چند روز پس از این تظاهرات، سازمان دانشجویان نیز به رغم تردیدهایی که در میان دانشجویان توده‌ای بر سر درستی شعار الغای قرارداد نفت به وجود آمده بود و بر سر آن بحث می‌شد، به حمایت از شعار مزبور، راهپیمایی و تظاهرات دیگری ترتیب داد و بار دیگر مخالفت خود را با شعار ملی کردن نفت ابراز داشت.

در این میان، انجمن اسلامی دانشجویان - که با حمایت و راهنمایی مهندس مهدی بازرگان، رئیس و استاد دانشکده فنی و همچنین آیت الله سید محمود طالقانی حمایت و راهنمایی می‌شد، فعالیت خود را شدیدتر کرد و در تمام فعالیتها و تظاهرات عمومی دانشجویان - که به منظور پشتیبانی از جبهه ملی و شعار ملی کردن صنعت نفت برپا می‌شد - فعالانه شرکت می‌کرد و در برابر فعالیتهای طرفداران حزب توده، با دیگر دانشجویان صف واحدی را تشکیل می‌داد.

با تشکیل سازمان دانشجویان و جوانان مبارز وابسته به جبهه ملی، ۱۲ جنبش دانشجویی - که دانش آموزان دبیرستانها نیز به آن پیوسته بودند - اوج گرفت و همراه دیگر گروهها برای پیروزی نهضت ملی ایران به کوشش پرداخت. اسنادی که در پی این نوشتار آمده است، هریک به نوبه خود بیانگر گوشه‌هایی از تکاپوی دانشجویان و دانش آموزان در واپسین سال نهضت ملی است که امیدواریم پژوهشگران تاریخ جنبش دانشجویی را به کار آید.

اسناد شماره ۱

دانشگاه تهران [آذر ماه ۱۳۲۹]

جناب آقای نخست وزیر! برای استحضار خاطر عالی جریاناتی را که در این چند روزه در دانشگاه اتفاق افتاده است، ذیلاً به عرض می‌رساند:

در روز ۲۹/۹/۱۰ عده‌ای از دانشجویان اخلاک‌گر - که سازمان [دانشجویان دانشگاه تهران] غیرقانونی تشکیل داده‌اند - در تالار مرکزی دانشکده پزشکی اجتماع نموده، مانع تدریس شدند و دو نفر از مستخدمین دانشکده را نیز بشدت مضروب ساخته و به فریاد هورا و کف زدن پرداخته، کلیه جریان تحصیلی دانشکده را مختل ساختند. امر قابل ملاحظه اینکه در میان دانشجویان، عده‌ای از عناصر مشکوک و منتسب به حزب منحل توده بوده‌اند. از جمله شخصی به نام رضوی ۱۴ که از قرار معلوم جزو پنجاه و سه نفر محبوسین بوده است. موضوع تحت شماره ۱۴۶ م به شهربانی کل کشور اطلاع داده شد. ضمناً دانشجویان دانشکده مزبور بیانه‌ای که در آن تجدید امتحان از مردودین و معافیت از حقوق سالیانه و شناسایی دانشگاه سازمان غیرقانونی آنها را خواسته بودند، منتشر ساختند. ۱۵

دو روز بعد در دانشکده حقوق ضمن انتخاب نماینده برای انجمن ورزشی آن دانشکده، نزاعی میان چند نفر از دانشجویان اتفاق افتاده که با نصایح اینجانب فوراً به غائله خاتمه داده شده، در روز سه شنبه ۲۱ آذر، اعلامیه‌هایی از طرف دانشجویان ضمن سخنرانی آقای دکتر حسن افشار، استاد و معاون دانشکده حقوق راجع به سازمان ملل متحد مبنی بر دعوت به میتینگ راجع به نفت که روز چهارشنبه ۲۲ آذر ساعت ۵ بعد از ظهر در باشگاه دانشگاه داده خواهد شد و راجع به نفت در خفا منتشر شد و به اداره کل دبیرخانه دانشگاه به محض وصول اوراق، مراتب را ضمن نامه شماره ۱۴۵ م مورخ ۲۹/۹/۲۱ به شهربانی کل کشور اعلام داشت و فردای آن روز، یعنی چهارشنبه ۲۹/۹/۲۲ شورای دانشگاه را تشکیل و مراتب را گزارش داد. شورای دانشگاه بنابر شیوه معمولی خود، به رؤسای دانشکده‌ها مأموریت داد که به نحو مقتضی از راه مسالمت [آمیز] دانشجویان را به تعهدی که راجع به عدم دخالت در سیاست است، آشنا ساخته، با نصیحت آنان راز دخالت در امور سیاسی در محوطه دانشگاه و جلوگیری از میتینگ و ادا سازند. ۱۶ ضمناً مدیرکل دبیرخانه را برای اطلاع از نظر و اقداماتی که شهربانی کل کشور در این خصوص می‌خواهند بنمایند، به آنجا فرستاد. مقارن ظهر از دانشکده حقوق اطلاع رسید که یک نارنجک در آن دانشکده منفجر شده است. بلافاصله مراتب به شهربانی اطلاع داده شد و آقایان رؤسای کارگاهی و آگاهی و رئیس کلانتری ناحیه و چند نفر دیگر از آقایان

ملی ایران را تشکیل دادند. تحصن مصدق و یارانش بدون گرفتن نتیجه‌ای اساسی در بیست و ششم مهر پایان یافت ۷؛ اما کم‌تر از یک ماه بعد در بیست و یکم آبان جبهه ملی رسماً به رهبری دکتر مصدق تشکیل شد. از آن پس مبارزه برضد شرکت نفت به صورت سازمان یافته ادامه یافت و ظنین شعار ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور پیچید. همچنین جنبش دانشجویی نیز بیش از پیش فعال شد و شمار زیادی از دانشجویان به جبهه ملی پیوستند. در مقابل این دانشجویان، سازمان دانشجویان دانشگاه تهران - که وابسته به حزب توده بود - وارد میدان شد و برخلاف شعار ملی کردن صنعت نفت، شعار الغای قرارداد نفت جنوب را سر داد. ۸ هواداران این سازمان در ساعت ۵ بعد از ظهر بیست و دوم آذر ۱۳۲۹، نخستین گردهمایی بزرگ خود را با موفقیت برگزار کردند. در پایان گردهمایی، قطعنامه‌ای خوانده شد که مواد زیر را دربرداشت:

۱- الغای بدون قید و شرط امتیازنامه ننگین و ظالمانه نفت جنوب.
۲- واگذاری منابع نفتی ایران و مؤسساتی که به بهای خون افراد ملت ایران ساخته شده‌اند.

۳- رسیدگی به حساب گذشته شرکت نفت.
۴- نابودی تمام آثار و عوارض ناشی از حکومت شرکت نفت و رعایت حاکمیت سیاسی و اقتصادی ملت ایران. ۹

در سوم دی گردهمایی و تظاهرات دیگری در محوطه باشگاه دانشگاه برپا شد و قطعنامه دیگری به تصویب رسید که در آن نیز الغای بدون قید و شرط کلیه قراردادهای شرکت نفت و واگذاری همه تأسیسات نفتی به ملت ایران درخواست شده بود. ۱۰

در گیر و دار تظاهرات دانشجویی، سازمان دانشجویان دانشکده حقوق - که نخستین سازمان دانشجویی غیر توده‌ای به شمار می‌رفت - تشکیل شد و با

رؤسای شهربانی به محل واقعه حاضر و تحقیقات لازمه را نمودند و چند نفر از دانشجویان و یک نفر مستخدم را - که مظنون بودند - برای تحقیقات به شهربانی بردند. ضمناً در همان جا برای تعیین تکلیف و روش اتخاذی برای بعد از ظهر مذاکراتی به عمل آمد. اینجانب معتقد بودم که باید دانشکده‌ها تعطیل و درهای دانشگاه بسته شود، ولی آقایان افسران شهربانی به عنوان اینکه اگر امروز دانشگاه تعطیل شود، فراموش است این اجتماع صورت بگیرد، تصمیم گرفتند عده‌ای نیروی پلیس در خارج از محوطه دانشگاه مراقب باشند که اگر از خارج، غیر دانشگاهی بخواهد وارد شود، ممانعت به عمل آورند و در داخل هم به وسایل مقتضی برای جلوگیری از هرج و مرج و اغتشاش اقدام نمایند. ساعت ۵ بعد از ظهر در برابر باشگاه، عده‌ای از دانشجویان در حدود سیصد نفر از دحام و در روی پرده‌ای هم به خط درشت نوشته بودند که مالغای قرارداد [۱۳۱۲] و ملی شدن نفت را خواهانیم. طبق صورتی که ذیلاً خاطر نشان می‌نماید، محصلین یکی پس از دیگری در مقابل بلندگویی که خودشان از خارج آورده بودند، راجع به نفت و عملیات شرکت نفت و الغای قرارداد آن، ضمناً از فرانکو ۱۷ و جنگ کره ۱۸ و سوء سیاست بعضی از اعضای دولت، خطابه‌های غرایب ایراد کردند که اغلب با کف زدن و هورا کشیدن توأم می‌شد. در این میان تامدتی به واسطه هیاهوی جمعی، کار ایراد خطابه دچار وقفه شده و حتی منجر به زد و خورد جزئی هم گردید. ساعت ۸ شب محصلین از دانشگاه خارج و آرامش برقرار گردید. برای مزید اطلاع، گزارشهای محرمانه دانشکده پزشکی و گزارش دبیرخانه به شهربانی کل کشور و اسامی دانشجویانی را که سخنرانی کرده و یا مصدر امور بودند، به ضمیمه تقدیم می‌دارد.

در خاتمه به عرض می‌رساند که این دانشجویان، آقایان: علی قالیبافان، خاننحانان رسولی، سهراب غفاری [و] ملک منصور نوبان، در سال گذشته طبق رأی شورای دانشگاه به اخراج دائمی محکوم بودند؛ ولی بعداً به مناسبت وساطت مجلس شورای ملی و دولت وقت و معذرتی که دانشجویان خواسته بودند، الغا و یا اجرای رأی سابق منوط به طرز رفتار آینده آنان گردید. چون دانشجویان مذکور طبق گزارش دانشکده پزشکی، دست از تشبث و اقدامات بر نداشتند و مجدداً به حرکات سال گذشته خود ادامه داده و در کلیه جریانات اخیر، محرک و مسبب و سهمیم بودند، لذا رأی سابق دانشگاه درباره آنها قابل اجرایی باشد. مشخصات دانشجویان نامبرده بتفصیل از سال گذشته در شهربانی کل کشور موجود است.

معاون دانشگاه تهران - دکتر [عبدالحمید] زنگنه [امضا]

[حاشیه]: ورود به دفتر نخست وزیر، ۲۳ آذر ۲۹

[سند شماره ۲]

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، شماره ۶ - ۲۹/۱۰/۳۷۰۶۵

جناب آقای نخست وزیر! عطف به مرقومه شماره ۱۳۲۴ - ۱۳۹۳۳/۱۰/۳۲۹۹۱ موقعی که این بنده با نمایندگی وزارت فرهنگ حضور محترم بودیم، نماینده وزارت فرهنگ به عرض رسانید که رؤسای دبیرستانها از ریختن و زدن و شکستن درب اماکن و از سوء رفتار و اعمالی که به آنها شده، شاکی بوده و بنده یک چنین عرضی را ننموده‌ام؛ به اضافه قبلاً خود این بنده گزارشی تقدیم نموده بودم که فرادامیتینگ دانش آموزان است و در اثر اطلاع از آن، هم به قسمت پلیس انتظامی دستور کافی داده شده بود که عده زیادی پاسبان در تمام طول خط سیر آنها و درب مجلس و اطراف آن گمارده و برای نزدیک درب دبیرستانهای مورد نظر هم به تناسب اهمیت هر یک از آنها، از سه الی پنج نفر پاسبان مأمور نمایند و حتی موقعی که اطلاع رسید [که] دانشجویان و دانش آموزان به دبیرستان رضاشاه کبیر و البرز رفته‌اند، سرهنگ ۲ سعیدی، معاون اداره سرکلانتری برای جلوگیری از پیشامدهای غیرمنتظره، به محلهای نامبرده اعزام گردید. البته تصدیق خواهند فرمود ۳ الی ۵ نفر پاسبان در مقابل صدها نفر دانشجو، قابل مقاومت نبوده و از طرفی تصور نمی‌رفت که دانشجویان و دانش آموزان، مبادرت به این گونه اعمال ناشایسته بنمایند. بنابراین به فرموده مجدداً دستور داده شد که برای هر دبیرستانی یک نفر سرپاسبان و ۵ نفر پاسبان تعیین و اعزام داشته و برای دبیرستانهای رضاشاه کبیر و دارالفنون و البرز، علاوه بر مأمورین مذکور، افسر در اطراف آن محلهها گشت نمایند.

رئیس شهربانی کل کشور، سر تیپ دفتری [امضا] ۲۰

[سند شماره ۳]

وزارت جنگ، شماره ۱۹۹۵/م، ۲۹/۱۰/۱۶

جناب آقای نخست وزیر! در موضوع واقعه یکشنبه دهم دیماه جاری، به استحضار خاطر شریف می‌رساند: بنا به دستور آن مقام، موضوع را جدرآسیدگی و در نتیجه از مجموع اقدامات اداره بازرسی و گزارشات رؤسای دبیرستانها مطالبی استنباط شد که به شرح زیر به عرض می‌رسد:

۱- از بیست و دو هزار محصل سی و چهار دبیرستان دولتی، تعداد غائبین در حدود هزار نفر بوده و این عده در حدود غائبین عادی بوده که به واسطه کسالت و یا علل دیگر غیبت می‌نموده‌اند.

۲- رؤسای دبیرستانها، در محیط دبیرستان مسئول حفظ و نگهداری دانش آموزان هستند و مراقبت در خارج به عهده مأمورین انتظامات و شهربانی است. در روز مزبور اگر یک عده ماجراجو از خارج و از دیوار داخل مدرسه شده و عده ای دختر یا پسر را اغوا نمایند و همچنین جمعی از آنها قفل دبیرستان شاهدخت را بشکنند و داخل مدرسه شوند، جلوگیری از آنها، وظایف مأمورین انتظامات است نه اولیای مدرسه و این امر، جای بسیار تأسف است که مأمورین انتظامی ناظر اعمال آنها بخصوص در دبیرستان شاهدخت بوده و هیچگونه اقدامی برای جلوگیری یا جلب آنها ننموده اند و موجب اعتراض اولیای دانش آموزان گردیده است.

۳- رؤسای دبیرستانها، معترضند که اگر در خارج افراد مزاحم و محرک در اتومبیلها با بلندگو دانش آموزان را در حین عبور اغوا و در ضمن از نزدیک دبیرستانها نیز گذشته، اطفال معصوم بی خبر از هر جا را تحریک نمایند، از وظایف مأمورین انتظامی است که از این گونه اشخاص جلوگیری نمایند.

رؤسای دبیرستانها، قوه مجریه و انتظامی در دست نداشته که در خارج قادر به جلوگیری از این گونه تبلیغات شوند. در مورد دبیرستان البرز، به عرض می رساند که در نتیجه رسیدگی معلوم شد در اول ساعت درس از ۱۷۰۰ دانش آموز، یکصد و شصت و هشت نفر غایب بوده و در ساعت دوم که در اثر تحریکات خارج محرکین ۳۳۶ نفر غیبت نموده اند که از دیوار بالا رفته و با آنکه شهربانی و اولیای دبیرستان تقاضای جلوگیری نموده اند، اعتنا نکرده اند و آقای تابش، بازرس نخست وزیری نیز از جریان مستحضرند. با این وصف تصدیق خواهند فرمود، چه مسئولیتی متوجه اولیای دبیرستانها خواهد بود.

دبیرستانهای دارالفنون، شرف و مروی، قبلاً به کلیه دانش آموزان ابلاغ کرده بودند در صورتی که از دبیرستان خارج شوند، مورد مؤاخذه سخت واقع خواهند شد. از لحاظ دایر بودن کلاسها و منظم بودن امور و مراقبت زیاد از اندازه - که در داخله مدرسه از عهده رؤسای دبیرستانها برآمده - اقدام لازم به عمل آمده آقایان رازپوش و سرهنگ رستگار، بازرسان نخست وزیری از جریان امر بخوبی مستحضرند که هیچگونه میتینگ و تبلیغاتی انجام نشده است و اگر در اطراف دبیرستان شرف، عده ای با اتومبیل و بلندگو شروع به تبلیغات و تحریکات نموده اند، جلوگیری از آن از عهده دبیرستان مزبور خارج بوده است.

در خاتمه خواهشمند است مقرر فرمایند، جداً مرتکبین و محرکین را تحت تعقیب قرار داده تا عبرت برای دیگران گردد.

از طرف وزیر فرهنگ [دکتر شمس الدین جزایری]، دکتر اسدالله آل بویه [امضا] ۲۱

[حاشیه]: در صورتی که اجازه فرمایند، مفاد این گزارش به وسیله رادیو و جراید برای اطمینان خاطر دانش آموزان به اطلاع عموم برسد.

[سند شماره ۴]

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، شماره ۵۹۱۳، ۲۹/۱۰/۱۱

جناب آقای نخست وزیر! محترماً معروض می دارد، طبق گزارش قسمت مربوطه در میتینگ ۲۲ روز پنجشنبه ۳۰ آذر ماه ۱۳۲۹ پز شکپور، [داریوش افروهر، همایونی، جلالی] او توکل [امیر ابراهیمی، دانشجویان دانشکده حقوق به منظور هماهنگی با اقلیت [مجلس] تحت عنوان نفت باید ملی شود، سخنرانی نموده اند.

[امضا]: رئیس شهربانی کل کشور، سرتیپ [محمد] دفتری ۲۳

[سند شماره ۵]

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، شماره ۳۹۶۳۵، ۲۹/۱۰/۲۴

جناب آقای نخست وزیر! رونوشت گزارش شماره ۴۴۲۳ شهربانی شیراز، راجع به تظاهرات دانش آموزان کلاسهای متوسطه در مورد ملی شدن نفت، برای استحضار به پیوست تقدیم می گردد. به شهربانی شیراز دستور لازم برای حفظ نظم و جلوگیری از هرگونه پشامد سوئی داده شده. مستدعی است امر و مقرر فرمایند، جهت جلوگیری از عملیات متظاهرين، هر نوع امر فرمایند اقدام گردد.

رئیس شهربانی کل کشور، سرتیپ محمد دفتری ۲۴

[سند شماره ۶]

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، رونوشت گزارش شهربانی شیراز

شماره ۴۴۲۳، ۲۹/۱۰/۲۳

شهربانی کل کشور، اداره دفتر کل - بر اثر انعکاس مندرجات جراید مرکز، [علاوه بر] تظاهراتی که از طرف دانش آموزان در چند نقطه کشور [برپا شده است]، دوز است اطلاع می رسد که دانش آموزان کلاسهای متوسطه شیراز نیز قصد دارند به عنوان اینکه صنعت نفت باید

ملی شود، تظاهراتی برپا نمایند. مراتب به جناب آقای استاندار گزارش [شد]، آقای رئیس فرهنگ رانیز از جریان مطلع [کرده]، ضمناً لازم است به عرض برساند که عدم رضایت و تحریک دانش آموزان دانشسرای کشاورزی و دانشکده طب نیز - که جریان هریک قبلاً گزارش گردید - در این باب خواهد بود، مؤثر است.

سرتیب قوامی [امضا] ۲۵

[سند شماره ۷]

نخست وزیر، شماره ۴/۴۰۹۷، ۲۹/۱۰/۲۵

شهربانی کل کشور! عطف به شماره ۲۴ - ۲۹/۱۰/۳۹۶۳۰، راجع به تظاهرات دانش آموزان در شیراز، به استاندار فارس دستور داده شد برای اینکه این اقدامات و تظاهرات توسعه نیافته و شدت پیدا نکند، ۲۶ بایستی جداً جلوگیری کرده و نگذارند دانشجویان - که جز تحصیل کاری ندارند - آلت دست یک عده اشخاص مغرض و مفسده جو گردیده و دست به این قبیل عملیات بزنند. مخصوصاً متذکر گردیده که با تماس با فرمانده لشکر و رئیس شهربانی و رئیس فرهنگ، تصمیمات لازم جهت جلوگیری از این عملیات اتخاذ نموده و هر اقدامی برای برقراری آرامش لازم است، معمول دارند.

نخست وزیر ۲۷

[سند شماره ۸]

وزارت جنگ، ستاد ارتش، دایره مرموزات، رونوشت گزارش تلگرافی لشکر ۹ اصفهان [بهمین ۱۳۲۹]

ستاد ارتش - محترم‌آ پيرو شماره ۱۹۴۶ مورخه ۲۹/۱۷/۵ معروض می‌دارد: بیانیه‌هایی تحت شماره ۱ و عنوان میتینگ دانشجویان و دانش آموزان ضمیمه روزنامه شاهکار نو منتشر [شد] که در ساعت ۳ بعد از ظهر روز جمعه ششم بهمین ماه جاری در میدان ۲۴ اسفند میتینگ برگزار [خواهد شد] و از عموم طبقات دعوت شده که در این اجتماع شرکت نمایند. ضمناً نامه شماره ۳ - ۲۹/۱۷/۸۰۳ شهربانی، حاکی است که سرچشمه این حرکات در دبیرستان سعدی و دانشجویان پزشکی می‌باشد. زیرا آموزگاران آنها، ضمن تدریس به اغوا و تحریک آنها پرداخته و با اشاره به فعالیت‌های قدیم [در] ایران و اینکه مگر در رشت رئیس فرهنگ را نقت زده و قصد سوزانیدن او را داشته و یا در اراک و کرمانشاه - که با قوای انتظامی طرفیت نموده‌اند - چه شده و اینکه [مگر] دانش آموزان اصفهان از دختران تهران کم تر هستند، دانش آموزان را طوری تحریک نموده که در صورت مخالفت مأمورین انتظامی، مقاومت و زد و خورد نمایند. در خاتمه این اظهارات علامت ممیزه نقشه ایران - که در وسط آن لوله نفت می‌باشد و نوار صنعت نفت باید ملی شود - بین آنها تقسیم شده است. مراتب گزارشاً معروض و تا حدود امکان برای حفظ انتظامات پیش بینیه‌ای عاقلانه به مأمورین تأکید گردیده است.

سرهنگ پیشداد ۲۸

[سند شماره ۹]

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، رونوشت گزارش شهربانی اصفهان

شماره ۱۸۳، ۲۹/۱۷

شهربانی کل کشور - اداره کاراگاهی ک ۳۸۱۳۴ - ۵۲۳ - ۲۹/۱۷/۶۲۳۹ - پيرو ۴ - ۲۹/۱۷/۱۸۲۷ آقای دکتر [مظفر] بقایی و [شخص] دیگری به اصفهان نیامده و شهربانی هم با اتخاذ تدابیر لازمه و تماس با جناب آقای استاندار، دائماً به مراقبتهای خود پرداخته تا شب ۲۹/۱۷/۵ [اعلامیه] زیادی به امضای کمیته میتینگ دانشجویان و دانش آموزان اصفهان، مفاد اینکه ساعت ۱۵ روز جمعه ۲۹/۱۷/۶ میتینگ در میدان مجسمه خواهند داد، منتشر و ضمناً اطلاع حاصل شد [که] منوچهر انصاری، دانش آموز دبیرستان ادب قصد دارد برای این منظور بلندگو در [اتومبیل] جیب شخصی خود نصب و در روز مزبور مورد استفاده قرار دهد. فوراً نامبرده را برای جلوگیری از نصب بلندگو احضار [کرده]، چند نفر از رفقای دانش آموز به تلگرافخانه رفته، به عنوان اینکه شهربانی انصاری را بازداشت و جلوگیری از میتینگ می‌نماید، تلگرافی به آقایان دکتر بقایی و مکی و برومند مخابره و آنها را نیز برای تلگراف حضوری احضار نموده‌اند. ضمناً چند نفر از متنفذین هم که در صدد اقداماتی برای ملی شدن نفت برآمده بودند و شهربانی آنان [را] تا درجه‌ای متقاعد نموده بود که چون مقتضیات محلی ایجاب نمی‌کند در میتینگ شرکت کنند، برای مذاکره با دانش آموزان مذکور - که پیش از چند نفر نبوده - به تلگرافخانه رفته و مقارن ساعت ۲۰ حضور اینجانب را در تلگرافخانه خواستار شدند که با استحضار استاندار و فرماندهی لشکر به تلگرافخانه رفته و با مذاکرات و اندرزهای لازمه، آنان را متقاعد و به استثنای سه چهار نفر دانش آموزان - که یک نفر آنها هوشنگ پیروز از افراد فعال حزب توده است - در تلگرافخانه مانده، با جیب درب دبیرستان صامیه رفته

و دانش آموزان آنجا [را] که برای گردش در دبیرستان حاضر شده تا به خارج شهر بروند، تهدید و چون درب دبیرستان را قفل می کنند، در صد شکستن قفل بر آمده و بالاخره به وسیله بالا رفتن از نردبام داخل مدرسه شده، آنان را با تهدید برای میتینگ دعوت می نمایند که برای ارتکاب این عمل و حفظ انتظامات سه نفر آنها را - که منوچهر انصاری و فضل الله زمانی و هوشنگ بیروز باشند - به شهربانی آورده و در حفظ نظم کوشش نموده تا ساعت ۱۳ چند نفر از همدستان سه نفر نامبرده، عده ای در حدود ۵۰ نفر دانش آموز از هشت تا ۱۴ ساله را در میدان شاه با یکی دو پرچم جمع کرده که به طرف میدان مجسمه حرکت کنند. چون عده آنها کاملاً ناچیز و اطفال کوچک و نابالغ بودند و اداره فرهنگ هم تشکیل چنین کمیته ای را رسماً تکذیب کرده بود، از طرف شهربانی پند و اندرزهای لازمه به آنان داده شده و بدون اینکه تظاهری بکنند، متفرق شدند و خاتماً به عرض می رسانند: معمولاً روزهای تعطیل و امروز هم که هوا کاملاً آفتابی و خوب بود، جمعیت زیاد در چهارباغ و میدان مجسمه گردش می کردند. ساعت ۱۶ زین العابدین شکوه، یکی از دانش آموزان مزبور از موقعیت و جمعیت استفاده کرده، دفعاتاً با سرودن اشعاری راجع به نفت اضافه نموده که می خواستیم میتینگ بدهیم، شهربانی گفته است فعلاً صلاح نیست. مراقبت را کماکان ادامه داده و نتایج حاصله را بعداً معروض [داشته] و بالاخره امروز میتینگ داده شد.

۲۹/۱۱/۶ سرهنگ اسفندیاری ۲۹

[سند شماره ۱۰]

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، رونوشت گزارش شهربانی اصفهان

شماره ۱۸۸۱، ۲۹/۱۱/۱۱

شهربانی کل کشور، اداره کاراگاهی - پیرو رمز ۸- ۲۹/۱۱/۱۸۶۷ جمعیت مزبور، بیانیه ای صادر نموده اند که روز جمعه ۲۹/۱۱/۱۳ میتینگ خواهند داد و نمایندگان جبهه ملی نیز از تهران می آیند و در میتینگ آنها شرکت می نمایند؛ ولی چنانچه قبلاً به عرض رسیده، با تماس با جناب آقای استاندار، خود اینجناب و مأمورین شهربانی اقدامات لازمه برای جلوگیری از تظاهراتی که ممکن است باعث اختلال نظم شود، به عمل آورده و [با] عناصری که در این کار مؤثر هستند، ملاقات و مذاکره شده و به قرار اطلاع اقداماتی شده و تلگرافاتی هم از طرف طبقات مختلف، به عنوان نمایندگان مجلس به رئیس دولت مخابره گردیده، مبنی بر اینکه خواهان استیفای حق خود از نفت هستند؛ ولی با دوستگی و اختلافات طبقاتی مخالف هر گونه تظاهر می باشند. طبق امریه های واصله، با کمال جدیت مراقبتهای لازمه شده و می شود. ولی چنانچه قبلاً نیز طی رمز شماره ۴- ۲۹/۱۱/۱۸۲۷ به عرض رسیده، هرگاه نمایندگان جبهه ملی به اصفهان بیایند، باعث تقویت روحیه عمومی و خنثی شدن اقدامات خواهد شد.

سرهنگ اسفندیاری ۳۰

[سند شماره ۱۱]

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، رونوشت گزارش شهربانی اصفهان

شماره ۱۹۲۷، ۲۹/۱۱/۱۱

شهربانی کل کشور، اداره کاراگاهی - محترماً پیرو رمزهای شماره ۱۱- ۲۹/۱۱/۱۸۸۱ و ۱۲- ۲۹/۱۱/۱۹۰۶ و ۱۳- ۲۹/۱۱/۱۹۰۸، به طوری که ضمن گزرشهای معروضه، جزئیات اقدامات شهربانی به عرض رسیده، تاکنون به این نتیجه رسیده که چنانچه از طرف جبهه ملی اشخاصی به اصفهان نیایند، جلوگیری و مراقبت از میتینگ سهل تر و موفقیت بیش تر خواهد بود و به قسمی که معروض گردیده، از طرف آقای حاج سیدحسن روضاتی، تلگرافی به آقای سید ابوالقاسم کاشانی و از طرف محمد سپاهانی به نمایندگی [از] کمیته ملی شدن نفت، تلگرافی به آقای دکتر مصدق شده و تقاضای اعزام نماینده و شرکت جبهه ملی در میتینگ عمومی اصفهان را نموده بودند که چون در هفته گذشته در اثر تلگرافاتی که طبقات مختلفه به مجلسین و جناب آقای نخست وزیر مخابره و رونوشت آن را به وسیله آقای دکتر مصدق به جبهه ملی ابلاغ نموده بودند که با استیفای حقوق ملت ایران از نفت جنوب و اقداماتی که جناب آقای نخست وزیر و هیئت محترم دولت در این موضوع فرموده اند، موافق ولی به مناسبت دودستگی و اختلافاتی که در بین طبقات اصفهان موجود است، با هر گونه تظاهر در این خصوص مخالف می باشیم، حرکت نمایندگان جبهه ملی در هفته گذشته به تأخیر افتاد و به موجب پاسخی که به آقای روضاتی و محمد سپاهانی داده بودند، وعده داده اند که در این هفته به اصفهان آمده، در میتینگ شرکت کنند. ولی از طرفی بیانیه های مختلف از طرف عده ای از اهالی شهر، چاپ و منتشر شده و به نحو بالا مخالفت خود را با تظاهرات و میتینگ به اطلاع عموم رسانیده اند، مخصوصاً آیت الله جناب آقای حاج شیخ مهدی نجفی که از اجله علمای اصفهان و یکی از امضاکنندگان فتوای مجتهدین اصفهان بوده که در مورد ملی شدن نفت فتوا داده بودند، بیانیه چاپ و منتشر نمودند که نظر اینجناب استیفای حقوق ملت ایران و راه استیفا هم بسته به نظر دولت است و هر نوع تظاهر و میتینگ بکلی بی ربط [است] و باید این حرکات موقوف باشد. اینک یک برگ از کلیه بیانیه های

مزبور را [به] ایوست تقدیم [می] دارد [که] اگر مقتضی باشد مخصوصاً شرحی که آقای حاج شیخ مهدی نجفی نوشته اند، برای اطلاع نمایندگان اقلیت ارسال و اقدامی به عمل آید که از آمدن به اصفهان منصرف شوند. بدیهی است اینجانب و کلیه مأمورین مربوطه، شبانه روز برای حفظ آرامش و انتظامات جدیت نموده و از هرگونه اقدامی فروگذار نخواهیم نمود.

رئیس شهربانی اصفهان - سرهنگ اسفندیاری [امضا] ۳۱

[سند شماره ۱۲]

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، رونوشت گزارش شهربانی اصفهان

شماره ۲۴۰۹، ۲۹/۱۲/۲۳

شهربانی کل کشور، اداره کارآگاهی - پیرو شماره ۱۹- ۲۹/۱۲/۲۳۵۸ روز گذشته بیانیه هایی در شهر منتشر [شده] و اهالی را جهت شرکت در میتینگ ملی شدن نفت برای ساعت ۱۵ روز جمعه ۲۹/۱۲/۲۵ دعوت نموده که در میدان مجسمه حاضر شوند و در این بیانیه، قید شده: "نمایندگان هیئت مدیره جمعیت ملی مبارزه با شرکت نفت ایران و انگلیس اصفهان". ولی از هویت چنین اشخاص، اطلاعی به دست نیامده؛ زیرا کسانی که قبلاً در این قسمت فعالیت داشته اند، به مناسبت اقداماتی که در مجلس شده، به هیچ وجه مداخله ندارند و فعلاً شهربانی مشغول اقدام [می] باشد [م] مراتب جهت استحضار و صدور دستور فوری معروض [گردید].

سرهنگ اسفندیاری ۳۲

پی نوشتها:

- ۱- همایون کاتوزیان: مصدق و نیر قدرت، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۲، ص ۱۴۱.
- ۲- محمدعلی سفری: قلم و سیاست از استعفای رضاشاه تا سقوط مصدق، نشر نامک، تهران ۱۳۷۱، صص ۹۰۹-۹۰۳.
- ۳- در این باره بنگرید به: ابوالحسن ضیاء ظریفی، سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، نگاهی دیگر به پیشینه مبارزات دانشجویی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۲۰، شیراز، تهران ۱۳۷۸، صص ۵۹-۶۳.
- ۴- مسعود حجازی: رویدادها و دآوری خاطرات مسعود حجازی ۱۳۳۹-۱۳۲۹، انتشارات نیلوفر، تهران ۱۳۷۵، صص ۱۷-۱۹.
- ۵- مقایسه شود با ابوالحسن ضیاء ظریفی، همان، صص ۵۴-۵۵.
- ۵- در این باره بنگرید به: گزارشهای محرمانه شهربانی، به کوشش مجید تفرشی - محمود طاهر احمدی، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، تهران ۱۳۷۱، ج دوم، ص ۲۲۷.
- ۶- همایون کاتوزیان، همان، ص ۱۴۶.
- ۷- محمدعلی سفری، همان، صص ۲۹۴-۲۸۷.
- ۸- درباره مقایسه این دو شعار از لحاظ حقوقی، بنگرید به: مسعود حجازی، همان، ص ۱۹؛ همچنین به: ابوالحسن ضیاء ظریفی، همان، صص ۱۱۰-۱۰۹.
- ۹- ابوالحسن ضیاء ظریفی، همان، ص ۱۰۷-۱۰۵.
- ۱۰- همان، ص ۱۰۹.
- ۱۱- مسعود حجازی، همان، صص ۲۳-۲۲.
- ۱۲- همان، صص ۲۸-۲۷.
- ۱۳- نخست وزیر، در آن هنگام سبهد حاج علی رزم آرا بود. از پنجم تیر تا ۱۶ اسفند ۱۳۲۹.
- ۱۴- این شخص، ظاهر امر نضی رضوی، عضو گروه ۵۳ بوده است که در آن هنگام ۴۴ سال داشته. درباره این فرد بنگرید به: انور خامه ای، خاطرات سیاسی، نشر گفتار، تهران ۱۳۷۲، ص ۲۲۳.

- ۱۵- مقایسه شود با ابوالحسن ضیاء ظریفی، همان، ص ۱۰۵.
- ۱۶- در این باره بنگرید به: همان، صص ۶۳-۵۹.
- ۱۷- فرانکو (ای باها مونده) فرانسسکو. (۱۹۷۵-۱۸۹۲ م.) ژنرال و رئیس دولت اسپانیای فاشیستی (۱۹۷۵-۱۹۳۶).
- ۱۸- منظور، جنگ خونینی است که میان کره شمالی و کره جنوبی در گرفت و از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ م. طول کشید و منجر به مداخله نیروهای نظامی امریکا و چین در کره گردید.
- ۱۹- مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۴۷۳۴.
- ۲۰- پیشین.
- ۲۱- همان.
- ۲۲- این اجتماع، در میدان بهارستان برپا شد و برای شرکت در آن، دانشجویان در صفهای منظم و با شعار نفت ایران باید ملی شود، در همسایر میدان بهارستان شدند. بنگرید به: باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران، نشر گفتار، تهران ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۱۷.
- ۲۳- مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۶۷۰۵.
- ۲۴- پیشین.
- ۲۵- همان.
- ۲۶- به رغم دستور نخست وزیر و تمهیدات به کار رفته برای جلوگیری از گسترش تظاهرات دانشجویان و دانش آموزان، از واپسین روزهای دی تا تصویب قانون ملی شدن نفت در ۲۹ اسفند تظاهراتی از این دست همچنان در تهران و شهرهای مختلف کشور برپا شد. مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۴۷۳۴ و ۵۱۶۶.
- ۲۷- همان، ۶۷۰۵.
- ۲۸- همان، ۶۸۱۶.
- ۲۹- همان.
- ۳۰- همان.
- ۳۱- همان.
- ۳۲- همان.



وزارت کشور

شهرداری کل کشور

تسیت

اداره - - - - - دایره - - - - - شعبه

رونوشت گزارش شهرداری سمنان مورخه ۲۹/۱۱/۴ شماره ۶۷۲

محرمانه - مستقیم - شهرداری کل کشور - اداره دولتی - محتوا " عطف بامریه رمز تلگرافی شماره ۳۸/۳۹۰۳۶-۶۰۳۶-۲۸/۸۰/۲۹ بعرض میرساند مفاد امریه بامورین مربوطه ابلاغ و آموزش لازم صادر تا اینکه ضمن مراقبت اطلاع رسید شخص ناشناسی شب گذشته از سمنان وارد و امروز در بانک کشاورزی مشغول تهیه اوراق مربوطه به نفع بوسیله ماشین تحریر می باشد فوراً " ماورا اعزام شخص مزبور را حاضر در بازار جوئی خود را اسکندرشهرت اسکندرانو ۲۴ ساله فرزند حسین اهل تهران گارمند روز مزد بانک کشاورزی سمنان معرفی و جریان از نامبرد به بازجوئی ۲۵ برگ رونوشت ماشین شد و قطعنامه که در بانک ماشین نمود و نام ۱۰۵ نفر از دانشجویان دبیرستان سمنان ذکر مفاد آن حاکیست که صنعت نفت باید ملی شود بدست آمد و مصراحتاً " اعتراف نمود که اوراق مزبور را شخصاً " تهیه و ماشین نمود ام - نظریه اینکه جرمی واقع نشد و برخلاف امصاد ره عملی انجام نگردید و بود نامبرد و مرخص و مراتب رانیز باقای فرماندار شاهرود گزارش اینک یک برگ قطعنامه مزبور که با سامی ۱۰۵ نفر و بنا با ظهار اسکندرانو نامبرد گان دانش آموزان دبیرستان سمنان میباشند و یک برگ شکایت از رئیس شهرداری سمنان که با مضمناً اسکندرانو میباشند جهت استحضار پیوست تقدیم تا بهر قسم امر فرمایند رفتار شود و نسبت با اجرا مفاد امریه تلگرافی واصله کاملاً " کوشا و نهایت مراقبت بعمل آمد و خواهد آمد و رئیس شهرداری شاهرود سرکرد سعیدی محل مهر و امضاً

روشت را راهی

ر. ا. ه. س.

(۱۹/۱۱/۴)